

ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی

سید محمد کاظمی^{۱*}، حسین کلانتری خلیل آباد^۲

^۱ عضو هیأت علمی گروه معماری دانشکده هنر جهاد دانشگاهی یزد

^۲ دانشیار پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۰

چکیده

مکتب و اندیشه اسلامی حامل پیام‌بندگی در محضر خالق هستی است. کشف حقیقت که آب‌سخور فطرت بوده و در انسان نهادینه شده است، بستر کمال‌گرایی انسان را مهیا می‌کند. طرح‌مایه کمال‌گرایی را در هنر عبودیت می‌توان جستجو کرد و هنرمند مسلمان اندیشه خویش را برای بیان این حقیقت به کار برده است. هنر و معماری اسلامی سعی نموده است توسط هنرمندان دانش و بینش محور، کشف صورت پدیده‌ها را به منصف ظهور گذارد و خلاقیت هنری را در ترویج اندیشه مادی و معنوی به کارگیرد. هدف از این پژوهش، تمرکز بخشیدن به نیروها و امکانات موجود برای تبلیغ اندیشه عینی و عملی هنر معنوی است که در معماری مسجد توسط معماران به منصف ظهور رسیده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و میدانی اطلاعات گردآوری شده، بررسی و تحلیل گردیده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌مندی از ویژگی‌های معنایی برای طراحی معماری مسجد در پیام‌رسانی توحیدی مؤثر است و بستر مناسبی را برای ادراک مخاطب و تبلیغ اندیشه معنوی مهیا می‌سازد.

واژگان کلیدی: فطرت، پیام‌رسانی، هنر معنوی، معماری مسجد.

مقدمه

حاصل قرن‌ها تجربه پیشینیان و بزرگان هنر، یادگارهایی است که امروزه از آن با عنوان معماری اسلامی یاد می‌شود. معماری‌ای که ریشه و آبخور ایدئولوژی توحیدی را بازنمایی کرده و در آن ارزش‌های مادی و معنوی تجلی یافته است. این ارزش‌ها که رابطه مستقیمی با ویژگی فطری و نیز حقیقت‌طلبی هنرمند دارد، دست‌یابی به کمال‌گرایی را در وجود آدمی متبلور و مهیا خواهد نمود. بازتعریفی از واژه هنر در ادبیات فارسی و استعمال آن در فرهنگ‌های دیگر ضرورتی است که در شناخت مفاهیم و ارزش‌ها بتوان جایگاه اثر هنری و هنرمند را درک نمود. شناخت واژه تبلیغ و نقش هنر در انتقال اندیشه‌های دینی، بررسی اجمالی از پیام‌رسانی هنری را مهیا می‌سازد و هنرمند نیز در انتقال این اندیشه‌ها ابزاری را به کار می‌بندد تا بیان خویش را به ظهور گذارد.

شناختی از ماهیت صورت، نقش هنرمند را در زمینه‌سازی برای تبلیغ و بهره‌گیری در پیام‌رسانی به‌دنبال خواهد داشت. هم‌چنین، جهان‌بینی هنرمند اسلام‌شناس، که در عرضه معرفت به نظام هستی به کشف و نیز ابداع اثر دست می‌یابد، معنای دقیق فعالیت هنری را در حوزه افعال و معماری اسلامی زمینه‌سازی کرد.

پیاده‌سازی مکتب معماری اسلامی و اجرای الگویی برای مکان عبادت در قرون متمادی، واجد ارزش و خواست معماران بوده است. طرح‌ریزی معماری فضای مسجد که مبتنی الگوسازی پیامبر است، به‌منزله ورود به مکان عبادی و ارتباط با خداوند است. این امر مستلزم آشنایی معماران با ویژگی‌های فطری است که در طرح مایه و پی‌ریزی ساختار معماری مسجد مؤثر بوده است.

بهره‌گیری از قابلیت‌های معنایی در معماری، انتقال مفهوم و بیان را به‌دنبال دارد و شناخت عناصر سازنده در معماری مسجد موجب شده تا انتقال پیام معمار و نیز تبلیغ وی از اندیشه دینی را در قالب صورت باطنی هنر به منصه ظهور گذارد. ابزارهای پیام‌رسان در معماری مسجد، نقش تبلیغی هنر اسلامی را پررنگ‌تر نموده و جایگاه محتوا و معنایی آثار معماری ایرانی را در تبیین ایدئولوژی هنر و فرهنگ اسلامی چه در جزء و یا کل آن تعیین کرده است. بدین منظور آشنایی با هندسه فضا، تأثیر نور، نقش نماد و رمز، جایگاه عناصر طبیعی، خلوص و شفافیت فضا در معماری مسجد مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. چنین رویکردی مجموعه‌ای از جنبه‌های تحقیق پیرامون فضای عبادی را در معماری اسلامی تبیین می‌نماید.

۱. هنر و پیام حقیقت‌طلبی

هنر همانند علم و دیگر خواص ویژه وجودی انسان، وابسته به فطرت و نشأت گرفته از خمیره اوست. دانشمندان روان‌شناس برای انسان پنج حس را برشمرده‌اند: حس حقیقت‌جویی، حس اخلاقی، حس خدمت‌گزاری، حس زیبایی و حس خداجویی یا حس مذهبی (رهبر، ۱۳۷۱: ۱۰۷). در این بین حس حقیقت‌جویی و خداجویی که ارتباط تنگاتنگ با ترویج اندیشه و هنر دینی دارد، نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

انسان به‌دنبال حقیقت‌جویی است، زیرا فطرت او اقتضای این حقیقت را دارد. درک حقیقت اشیا و دانایی نسبت به آن مقوله‌ای است که با جهان‌بینی اسلامی و تبلیغ این اندیشه ارتباط تنگاتنگ داشته است. در روان‌شناسی نیز این حس به نام حس حقیقت‌جویی یا حس کاوش مطرح می‌شود. گرایش به تسلط بر نفس و آن چه که مالکیت نفس می‌دانیم، از مفاهیم اخلاق فردی است و سرمنشأ کشف پدیده‌ها و تحوّل در انسان خواهد بود.

در حوزه هنر، زمانی به حقیقت پدیده‌ها و نیز محصول اندیشه نزدیک می‌شویم که نگرش هنرمند به جهان هستی، با سرشت آدمی آمیخته

باشد. در واقع، در چنین وضعیتی فعل هنرمند در مسیر کمال‌گرایی و عمل او نیز بازتابی از حقیقت فطری را نشان خواهد داد. آثار معماری قرون اولیه اسلامی در عین سادگی، نمایانگر همین حقیقت فطری بوده و در دوره‌های بعد صورت و معنای نهفته در آثار، این جنبه را تأکید و نمایان کرده است. ابنیه ساخته شده با مبانی توحیدی، مبلغ حقیقت آشکاری شدند که هر هنرمند ژرف‌نگر را بر آن می‌دارد تا در این وادی، بیان اندیشه را با توسل به ضمیر آگاه خویش به سمت معرفت‌الی الله سوق دهد.

درک این مطلب فوق‌العاده اهمیت دارد که اسلام دینی است که نه فقط شریعتی دارد که انسان باید مطابق آن زندگی کند، بلکه سنت فکری گسترده‌ای نیز دارد که اندیشه انسان را هدایت می‌کند (نصر، ۱۳۷۳ ص ۱۲۷). انسان مرکب از حقیقت خاکی و حقیقت ملکوتی است (فادا سویتنه و نفخت فیه من روحی)، چرا که انسانیت او در بندگی است. معیار این بندگی شناخت از خود و قابلیت‌های نفسانی است. چنان‌که قرآن میان یافتن خود و یافتن خدا، تلازم قائل است (ولا تکنوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم). قرآن می‌فرماید: فقط کسانی خود را یافته‌اند که خدا را یافته باشند و کسانی که خدا را یافته‌اند خودشان را یافته‌اند (من عرف نفسه عرف ربه و متقابلاً: من عرف ربه عرف نفسه) (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

گرایش دینی و احساس مذهبی، یک گرایش غریزی است نه مخلوق اراده و تفکر بشر، گرچه اراده و تفکر بشر، در آن به شدت دخالت داشته و حتی تعیین کننده بوده است (شریعتی، ۱۳۸۱: ۳۶). بنابراین برای دست‌یابی به هنر حقیقت‌محور با شناخت توانایی‌های نهادینه شده در وجود انسان، تحقق رسالت بنده در مقابل معبود، عالی‌ترین سطح را مهیا می‌سازد. چنین رویکرد حقیقی، در هنر معماری اسلامی تبلور یافته است و بازخوانی میراث گذشتگان به جوهره معنوی آن‌ها شاهدهی بر این مدعا خواهد بود. بناهایی که بدون اشاره به نام و نشان معمار، علائق فردی و تعلقات گروهی او به وجودی والا تر دلالت دارند، به معنای واقعی کلمه می‌توانند با مخاطب خویش ارتباط برقرار نمایند. ارتباطی که امروزه از آثار معماری ایران دریافت و مشاهده می‌نماییم، حاصل معنویت پنهانی است که معمار به طور ناخودآگاه در معماری خویش به ودیعه گذارده است. این اصل یکی از کارآمدترین آموزه‌های معماری اسلامی است. بر مبنای این اصل، معمار به جای آن که به خواسته‌های مخاطبان توجه نماید، به آوای ضمیر باطنی خویش گوش جان می‌سپارد و اثر معماری چون منطبق بر فطرت پاک انسانی الهی است، در دل هر صاحب دلی نفوذ و او را به مقام تسلیم رهنمایی می‌کند (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۲).

۲. هنر و تبلیغ

کلمه هنر در ادبیات فارسی قدیم نه به معنای خاص و امروزی آن، بلکه به معنای عام، ریشه در همان معنای قدیم دارد و عبارت است از: نیکی، پاکی، فضیلت، شجاعت، دانش، تقوی و به طور کلی کمالات خاص انسانی. این واژه در معنای معادل و مترادف با فن و صنعت نیز استعمال شده است. با توجه به معنای پیشین هنر، این واژه در معنای وسیع‌تر از معنای امروزی آن است، زیرا هم به معنی فضائل انسانی است و هم به معنای خاص آن که صنعت است. در زبان لاتین واژه «art» را استعمال کرده‌اند و در زبان عربی، واژه «صنع» و به معنای ایجاد ارادی چیزی است که مسبوق به عدم است و با حسن و زیبایی همراه است.

هنر، خلاقیت و ابداع نفس و به تعبیر مؤحدان و الهیون، جلوه‌گاه ابداع و خلاقیت ربوبی است و باید آن را از مختصات انسان برشمرد (رهبر، ۱۳۷۱: ۱۰۸).

اماد در حوزه تبلیغ، اهل فن این‌گونه بیان می‌دارند: تبلیغ در مفهوم کلی، رساندن پیام به دیگران از طریق برقراری ارتباط به منظور ایجاد دگرگونی

آن‌ها بدمد (حکمت، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

۴. نقش معماری مسجد در پیام‌رسانی بندگی

در قرآن کریم، خداوند متعال به این موضوع اشاره می‌کند که جن و انس را تنها برای آن آفریده‌ام که مرا ستایش کنند، ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (سوره ذاریات، آیه ۵۶). هنر ساحتی دارد که انسان را از انفعال نفسانی خارج و او را به طبیعت حقیقی خود یعنی بندگی رهنمون می‌سازد.

در آیات متعددی از کلام خداوند، فرمان به ستایش و ذکر نام خداوند آمده است؛ هم‌چون: فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه (سوره نور، آیه ۳۶). از قدیم‌ترین ایام، مردم در خانه‌هایی که خدا دستور داد تا آن‌ها را برآورند و در آن‌ها از نام او یاد کنند، گرد آمدند. همه پرستش‌گاه‌ها یا نمازخانه‌ها، که جایگاه حصول اتحاد میان برکت آسمانی و اشتیاق زمینی از طریق اقامه آداب و مراسم دینی هستند، خصایصی دارند که قدسیت آن‌ها را منعکس می‌کنند. ممکن است این ساختمان‌ها، بسیار ساده و بی‌پیرایه برای استفاده روستاییان و یابناهای بزرگ و ظرفی برای عبادت شهرنشینان باشند. در هر دو حالت، شکل پرستش‌گاه و عناصر سازنده آن معانی نمادینی دارد که جزئی از محیط دینی را تشکیل می‌دهد و نقشی اساسی در آیین‌ها ایفا می‌کند (نصر، ۱۳۸۷: ۶۳). «در واقع معماری به نوعی با مرگ نیز مرتبط است. عناصر معماری در تمام فرهنگ‌هایی که واجد هنر معماری هستند، جنبه نمادین دارد. از این رو، برآوردن نیازهای دنیوی و طبیعی انسان و بهره‌مندی بهینه و به‌صرفه از همه امکانات طبیعی موجود، مقصود اصلی معمار نیست» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۸۹).

نگاه معمار مسلمان در ایجاد و برپایی اثر معنوی، بر نظام اعتقادی او نهادینه شده است، به گونه‌ای که با کشف حقایق هستی، در پی نمود و بیان معرفت خویش از طریق افعال و رفتار است تا مسیر دست‌یابی به مبدأ هستی را هموارتر نماید.

اگر انسان‌ها بخواهند دارای همت فعال و خلاق باشند و با این همت دست به آفرینش هنری بزنند، چاره‌ای ندارند جز این که از مبدأ هنر که پیامبر است و بر آستانه هنرنمایی حق نشسته، استمداد کنند و یاری جویند. در نگاه ابن عربی، اثری که به‌عنوان اثر هنری پدید می‌آید، ولی صاحب اثر برای پدید آمدن آن از نفس پیامبر و سخن او مدد نگرفته باشد، یعنی از برجسته‌ترین و نمایان‌ترین هنرمند پیروی نکرده باشد، در واقع این اثر نباید اثر هنری به شمار آید (حکمت، ۱۳۸۴: ۲۵۸).

رسول اکرم (صلوات الله علیه)، اندیشه فضای معنوی و عبادت‌بندگان در مکانی تعیین یافته را در معماری مسجد پی‌ریزی نمود. برپایی مسجد، اوج بینش و دانش پیامبر در شناخت از هندسه و فضا، تناسبات، مصالح، ایستایی و در مجموع نگرش فطری به فضا است که در معماری مسجدالنبی به منصفه ظهور رسیده.

پیامبر، مهندسی نظام عبادت را در مسجد طرح‌ریزی کرد. مسجد را بی‌پیرایه و در عین سادگی و صلابت طراحی نمود تا آدمی فارغ از فضای فکری عالم ماده و محسوس، خویش را در پیشگاه حضرت جل و اعلا حاضر ببیند و دل و زبان را پاک و مطهر سازد و به عالم بالا نزدیک شود. ایشان، مسجد را مکانی برای اجتماع و الگویی قرار دادند که هیچ کس از دیگری برتری ندارد و منش فکری را در دعوت به تقوا نهادینه کردند و آن را ملاک قرب و نزدیکی به درگاه پروردگار معرفی نمودند (ان‌اکرم‌کم عندالله اتقیکم). معماری مسجد برای یکی از برجسته‌ترین فعالیت‌های ذهنی انسان یعنی نیایش او به درگاه خداوند متعال است. در این حال نیایش و مفاهیم مرتبط با آن از قدرتی برخوردار است که می‌تواند، ذهنیت معمار را معماری کند. اگر ذهنیتی بر اساس چنان مفاهیمی با برکت شکل گیرد، آن‌چه از آن تراوش کند و عینیت یابد، نه تنها مسجد که هر اثر

در بینش و رفتار شخص است. تبلیغ بر سه عنصر اصلی پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام مبتنی است. برخی از تحلیل‌گران این رشته، ابزار تبلیغ و برخی دیگر هدف را جزء عناصر تبلیغ دانسته‌اند (پیشین: ۸۰).

تبلیغ به استعدادهای هنری مرتبط است. هنر ابزاری برای بیان و تبلیغ دارد. بیان لسانی و ترویج صورت یا تصویر مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ هستند. اگر هنرمند با سخن و یا با صورت‌نگری اثری تبلیغ می‌کند، باید فکر و اندیشه‌ای که از آن تعبیر می‌کند و آهنگی که بدان متصف است و سیاق و عبارتی که در آن قرار می‌گیرد، دارای قدرت الهام بخش باشد.

از این منظر، هنری که آموزه‌های اصیل، معنوی و الهی را در خود به ودیعه گذاشته ارزشمند است و می‌توان آن را هنر حقیقی دانست. در هنر معنوی، اصل، اعتقاد و احساس مبلغ هنرمند است (پیشین: ۱۴۶). از این رو در روایات اسلامی آمده است: کونوا دعاة للناس بغير السننکم. محصول نهایی چنین بینشی آن است که در تبلیغ و پیام‌رسانی معنوی می‌توان از هر وسیله‌ای که شناخت مردم را کامل‌تر می‌کند، استفاده کرد.

۳. هنرمند و صورت معنوی

در همه عالم و در میان مخلوقات خداوند متعال، تنها انسان است که هم‌صنوع و هنر خداوند است و هم‌خودصانع و هنرمند است؛ زیرا به صورت خدا آفریده شده است. این قدرت خلاقیت و کاشف بودن که به او عطا شده، برای آن است که بتواند راه کمال را بییابد. ویژگی آدمی است که با هنر خویش در طریق معرفت‌الله هنرنمایی کند (حکمت، ۱۳۸۴: ۲۱۲). دکتر غلامرضا اعوانی در باب هنر انسان که ظهور صورت علمی و قوه آفرینندگی اوست، چنین می‌گوید: «از دیدگاه عرفانی و دینی، انسان هنرمند است، زیرا بر صورت خداوند خلق شده است. بر صورت خدا خلق شدن، بدین معناست که او مظهر اسماء و صفات الهی است و همه اسماء و حقایق اسماء و صفات الهی، در انسان به صورت اجمالی و لفی موجود است... انسان دارای نفخه روح الهی است و نفخت فیه من روحی دلالت بر همین معنا دارد. بر همین اساس، اثر و هنر او نیز می‌بایست در مسیر تجلی حقیقت نظام آفرینش به کشف و خلاقیت بپردازد» (پیشین: ۲۱۳).

آن‌چه در قرآن کریم درباره خلقت انسان آمده، دال بر این است که خدا انسان را از خاک یا گل آفرید و از روح خود در او دمید. شاید مراد از جامعیت انسان این باشد که آدمی مجموعه و آمیزه‌ای از خاک و خدا است (پیشین: ۲۱۶). از این رو، دریافت مفاهیم معنوی نیازمند تعالی دو سوئه فیزیکی و متافیزیکی در عالم هستی است. چنین آموزه‌هایی برای هنرمند مؤمن، سرآمد حرکت‌های حکیمانه را پایه‌ریزی می‌کند و او را با قوه تخیل و تعقل در پی بهره‌گیری از ظاهر و باطن پدیده‌های مادی وامی‌دارد. انسان، قدرت صورت‌گری دارد و این نظام کشف‌صور را خداوند در انسان حقیقت‌جو نهادینه کرده است. او قادر است تا پیونددهنده آن نفخه و نیز زمینه‌ساز هنر وحدت‌آفرینی باشد که محصول اثر و بنایی است که آینده‌ای از حکمت معنوی را تجلی نموده و در خود به ودیعه‌گذارده و اثر هنری خلاق را به منصفه ظهور رسانده است.

در همین خصوص، ابن عربی از حکمای اسلامی، همواره متذکر می‌شود که خدا آدم را به صورت خویش آفریده است. پس اگر خداوند، خالق است انسان نیز می‌تواند خالق باشد، نه خالق اشیا و پدیده‌های آفرینش که در مقام خالق و موجد (صورت‌ها) می‌تواند قرار گیرد. چنان‌چه «اصل هنر را نیز قدرت ابداع صور دانسته‌اند. آنچه بر ما حکمفرماست فقط تخیل و صور و خیال تنها ثروت و مایه هنرمند است» (رهبر، ۱۳۷۱: ۱۱۰). حوزه خلق صورت در انسان محدود به صوری است که بتواند آن‌ها را به کمال رساند و روح متناسب را در

دیگری که باشد، مبارک و خجسته خواهد بود (اولیا، ۱۳۷۶: ۵۱). از این رو، معماری، بازتاب اندیشه، جهان بینی و به طور کلی بینش آدمی است و مضامین ملهم از بینش او را منعکس می‌سازد. اگر ذهن انسان متذکر به ذکر و نام خدا و پیامبر باشد، بیان معماری او نیز می‌تواند خود وسیله‌ای برای ذکر باشد و انسان غفلت‌زده را متوجه مفاهیم برجسته‌ای سازد که او را در طی طریق زندگانی دنیوی و اخروی دلیل و راهنما شوند (پیشین: ۴۷).

محصول این بینش، مقام و منزلتی است که خداوند در برپایی و احیای مسجد به مؤمنان بشارت داده و این عمل را منحصر به انسان‌های با ایمان دانسته است و آن‌ها را هدایت یافتگان معرفی می‌کند؛ انما یعمّر مساجد الله من آمن بالله و البیوم الاخر و اقام الصلاه و آء الزکوه و لم یخش الا الله ففسی اولئک ان ینوونوا من المهدتین (سوره مبارک توبه، آیه ۱۸).

۵. تحلیلی بر ایزادهای پیام‌رسانی در معماری مسجد

آن چه آمد نگرش و ادراکی است که هنرمند مؤمن از آن برای ترویج حقیقت هستی بهره گرفته است. تجلی چنین اندیشه‌ای، در عمل و رفتار معمار و برقراری رابطه ظاهر و باطن معماری نمود یافته است.

رویکرد هنر اسلامی، بهره‌گیری از صفاتی ممتاز و گوناگون است که ضمن جامع و کامل بودن حامل پیامی فطری باشد. از این منظر، حقیقت ظاهر و باطن اشیا و نمودی که در قابلیت‌های معنایی، مفهومی و رمزی عناصر سازنده معماری نهفته است، ابزاری را برای پیام‌رسانی مهیا ساخته است، ادراک چنین نگرش را نمی‌توان به معنای جامع و کامل جنبه‌های تعریفی در معماری اسلامی متصور شد. چرا که معماری اسلامی شامل جنبه‌های مختلف است که هر یک بیانگر خصیصه‌ای است. نظریه‌های متفاوت و تقلیل‌گرایانه‌ای نیز در این وادی وجود دارد. این رویکرد با برخوردی نشانه‌شناسانه به اجمال اشاراتی به انتقال مضامین اسلامی دارد. به همین دلیل، این هنر در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم است، ضمن آن که اصل توحید و وحدت در هنر اسلامی را محتوا قرار می‌دهد.

۱-۵ نقش هندسه در پیام‌رسانی

قد جعل الله لکل شیء قدراً: بی‌تردید خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است (سوره مبارک طلاق، آیه ۳).

هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در قرآن دارد. مهندسی در ساحت هنر اسلامی بازآفریننده صور عالم مثال در دو بعد تجریدی و مادی است. بعد تجریدی، خود را در صور انتزاعی نشان می‌دهد و بعد مادی در قالب معماری نمادی از معناست که ظهور می‌کند (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۹۳).

۱-۵ هندسه و تناسب: عالم، تجلی صفات خداوند است و صفات بی‌شماری برای مقام حضرت رب بیان شده است. بنا به اصل تبعیت مجلا از متجلی، جهان عالمی سراسر نور، زیبایی و تناسب است (پیشین: ۳۹۵). بهره‌گیری از تناسب و هندسه، راهی برای حضور نماد و معناست و ایجاد اثری ماندگار که منبعث از جهان بینی توحیدی است. محصول آن می‌تواند معمار معناگرا را به مقصد رهنمون سازد.

۲-۵ هندسه و نظم: تجلی لایتناهی وحدت در نظم هندسی خود را نمودار می‌سازد. آن چه وحدت را به کثرت مبدل می‌سازد، وجود قدر و توازن (تقارن و تناسب) است. ماهیت معنوی عالم، در قالبی که سراسر نظم و زیبایی است، می‌تواند تمثیل یابد. بنابراین نظم هندسی می‌تواند به عنوان عاملی وحدت بخش، وحدت را در عین کثرت نمودار کند (پیشین، ۳۹۷ و ۳۹۸).

۳-۵ الگوی هندسی مرکزگرا: شکل مدور، تنها شکل کامل از منظر هنر اسلامی دانسته شده است که قادر به بیان جلال خداوندی است. غالباً بنایی که شکلی مدور و مرقدی مکعب شکل دارد، دوگانگی آسمان

و زمین را مجسم می‌کند. چنان که خانه کعبه در مکه، مکعب عظمی از سنگ سیاه است و مرکز صحن بنا شده است.

استفاده از الگوی هندسی هماهنگ در اجزا و کلیات بنا، در نمود بصری وحدت و حضور خداوند-حضوری که در همه جا محسوس است- مؤثر است. هم‌چنین استفاده از هندسه مرکزگرا، در بیان بصری معنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مناسب است (jonsen, 1996: 169).

توانایی و بهره‌مندی از الگوی هندسی، انگاره‌ای را در ادراک آدمی فراهم می‌سازد تا پیوند وجوه مادی و معنوی را محقق سازد. چرا که «نیمی از انسان، آسمانی و نیمی دیگر زمینی، نیمی ملکوتی است و نیمی خاکی و همیشه این تضاد در کار است و انسان در نوسان است» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۰۷).

در معماری مساجد، فرم و ساختار بنا که بر حسب معیارهای سنتی مذهبی ساخته شده‌اند، معنایی کیهانی نهفته است. بدین گونه که در تمامیت شکل بنا و نیز در اجزای معماری نظیر محراب، پنجره‌ها، بازشوها و تق‌ناها، شکل چهارگوش در پایین و معمولاً قوسی یا مدور در بالا به کار برده شده است. این شکل در مساجد گنبددار بیش تر مشهود است. در این بناها، گنبد که شکل و حجمی مدور داشته است و نمودار تاق آسمان و بیانگر مکان متعال است، حالت تعالی گر شکل بنا را کامل می‌کند (احمدی، ۱۳۷۶: ۱۹).

۲-۵ نور

معنی‌اش آن گونه که گفته‌اند «ظاهر بنفسه و مظهر لغیره» (معین، ۱۳۶۰: ۴۸۳۶) است. نور در نظر نویسندگان و هنرمندان اسلامی نمادی از وحدت الهی است. آن‌ها معتقدند هنرمند مسلمان در انتقال ماده باید از نوسان و ارتعاش نور بهره بگیرد (گروبه، ۱۳۷۹: ۱۷۳). نور به عنوان مبانی برآمده از تاریخ و فرهنگ ایران که ریشه در آداب و سنن گذشته دارد، جایگاه ممتازی در هنر و معماری داشته است. نحوه حضور نور، در پویا نمودن فضای معماری ایرانی مؤثر است و آن را به عنوان یکی از ابزارهای فهم فضا می‌توان تلقی نمود. «نور در معماری نقشی دوگانه ایفا می‌کند، هم امکان مشاهده و رؤیت می‌دهد و هم خود به مثابه رکن سوم، غمزه‌های هندسه و رنگ را به کمال می‌رساند. بدین وسیله مشارکتی عظیم در شعر پایداری می‌یابد» (ندیمی، ۱۳۸۵: ۹۸).

نور همانند رنگ، بافت، مصالح و تزیین‌ها به فضا معنی می‌دهد و احساسات انسان را به لحاظ روانی ترغیب می‌کند. از قابلیت‌های نور فیزیکی در انتقال پیام و ادراک فضا در موارد ذیل بهره گرفته شده است.

الف) نور، نشانی از خالق،

ب) ایجاد تنوع و تداوم فضایی بوسیله نور،

ج) نور عاملی برای حس معنویت،

د) نور عاملی در تعیین مسیردهی،

ه) تأکید بر موضع خاص به واسطه نور،

و) تأکید بر وحدت فضا.

در فرهنگ اسلامی، از نور به عنوان نماد حضرت احدی (سوره مبارک نور، آیه ۳۵)، پیامبر گرامی اسلام (سوره مبارک مائده، آیه ۱۵)، کتاب خدا (سوره مبارک تغابن، آیه ۸)، ایمان و رستگاری (سوره مبارک بقره، آیه ۲۵۷)، هدایت (پیشین)، بینایی (سوره مبارک فاطر آیات ۱۹ و ۲۰) نام برده شده است. «نور، عمده‌ترین مشخصه معماری ایران است، نه فقط به مثابه عنصری مادی، بل هم چون نمادی از عقل الهی و هم‌چنین وجود» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: م)

در فرهنگ و ادعیه اسلامی، مضامین معنوی زیادی از صفات و اسمای خداوند آورده شده است که با تمسک و ذکر آن‌ها حوزه‌های ذهنی هنرمند را شفاف می‌سازد و ظرفیت ادراک، قدرت تفکر و خلاقیت او را تا بی‌نهایت بالا می‌برد.

پیام در توجه و دعوت به سوی نماز است. «همان گونه که دانشمندان تبلیغ معتقدند: تکرار یک پیام از جمله عواملی است که در اقناع، تصدیق و ترغیب مخاطب تأثیر فراوان دارد» (رهبر، ۱۳۷۰: ۴۳۰). معماری اسلامی با به کارگیری منار به عنوان نماد و نشانه‌ای معنوی در سیمای شهر اسلامی، کوشیده است تا نمادی و مبلغی برای دعوت به انجام فریضه‌های توحیدی و نیز شاخص و نشانی باشکوه از تبلور فن و تکنیک هنرمندان زبردست در معرفی مکانی عبادی باشد.

۳-۵. رنگ‌ها: «معمار مسلمان هر چند معنای بصری رنگ را پیش چشم دارد، اما مفاهیم دیگری را در پس رنگ و رنگ گذاری می‌جوید. معمار مسلمان وحدت کامل فضا را با رنگ‌های متضادی که کنار هم قرار می‌دهد، پدید می‌آورد و این نوع کارکردن با رنگ را از جهان بینی خود می‌گیرد» (عرفان، ۱۳۷۶: ۲۷۹). حدیثی از پیامبر در نهج الفصاحه آمده که خداوند بهشت را سفید آفریده است: ان الله تعالی خلق الجنة بياضه و احب شیء الی الله البياض. پرفسور پوپ در خصوص رنگ چنین می‌گوید: در اکثر دوره‌های اسلامی، رنگ‌های زنده و متنوع به آن اندازه از شدت و هماهنگی رسید که هرگز مانند آن دیده نشد (پیشین، ۲۷۹). در این بین، بهره‌برداری از رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای در جلوه‌های تزیینی بناها بالاخص کاشی کاری نمود بیش تری یافت. این رنگ‌ها که آدمی را به بی‌نهایت و به جهانی خیالی و دست‌نیافتنی می‌برند، فضایی توأم با آرامش را مهیا می‌سازند و به عنوان ابزار پیام‌رسان در ادراک معنوی فضا مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴-۵. بهره‌گیری از عناصر طبیعت

از منظر جهان بینی اسلامی، عناصر عالم خلقت و آن چه در طبیعت است، آیات و نشانه‌های پروردگار هستند. آن چه از آیات و روایات قرآن و کلام معصومان (صلوات‌الله علیه) در باب عالم طبیعت و نیز بهشت استنباط و تفسیر شده، مفاهیمی عینی را در انتقال آن برای انسان اهل تدبیر مهیا نموده است. فرموده است «وجنات تجری من تحت الاثمار...»، معماران مسلمان نیز به شکل مستقیم از آب، گیاه و یا غیر مستقیم از طریق تزیین‌ها، همواره به تفصیل سعی به بازآفرینی یا تداعی عناصر بهشت بر روی زمین داشته‌اند و در صورت و معماری مسجد نیز به شیوه‌های متفاوت از آن بهره گرفته‌اند. تداعی و اشاره به عناصر طبیعی، در حوزه هنر و معماری، انعکاس و پیامی از مفاهیم عالم معنوی را به منصف ظهور گذاشته است.

معماری اسلامی از نور و سایه، از گرما و سرما، از باد و خواص آن، از آب و خاصیت خنک‌کنندگی آن، از خاک و جنبه‌های عایق‌کنندگی و نیز جنبه‌های محافظت‌کننده‌اش در مقابل سایر عناصر (آب، باد، آتش) استفاده کاملی به عمل می‌آورد.

۵-۵. انعکاس پیام خلوص و شفافیت

هنر معماری اسلامی، با بهره‌گیری از تزیین‌ها و نور به گونه‌ای که سطوح را مشبک نمایش دهد و از بار مادی آن‌ها کاسته شود، سعی در سبک‌سازی و شفاف کردن بنا داشته است (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۳). به طور کلی، معماران با ایجاد محیطی خالی در فضایی معنوی، سکوت و خلوص را برای ایجاد آرامش پدید آورده‌اند تا معنای بازگشت انسان به درون برای ایجاد ارتباط با خالق، بیش تر در فضای شفاف عینیت یابد. آرایش فضا به اسماء الحسنى و تبرک فضا به صفات جمالی و جلالی خداوند، تبلیغ امامت و تأکید بر ولایت، تبلیغ احادیث و روایات معصومان علیها سلام و تأکید بر کلام توحیدی از طریق انعکاس جلوه‌های هنر تزیینی (کاشی‌کاری)، نمونه‌هایی از هنر پیام‌رسانی است که خلوص معنوی را مهیا و در کالبد و سیمای فضاها در معماری اسلامی - ایرانی نمود یافته است.

نتیجه بهره‌گیری از مضامین و نیز بازآفرینی مفاهیم برای مخاطب بینش محور، می‌تواند در موارد زیر تحقق یابد:

الف) جهان بینی توحیدی و آگاهی از حقیقت اسماء الحسنای خداوند، همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی را دربر می‌گیرد.

ب) ذهنیت و عینیت مانند پوسته در ظاهر و هسته حقیقی در درون است. ج) نحوه ادراک آدمی از پدیده فیزیکی به متافیزیکی قادر است تا معنا، مفهوم و اشاره را برای بیان هنری همراه داشته باشد؛ به عبارتی شکل‌گیری اثر در عالم ماده، به عالم معنا مربوط است.

د) مقیاس، اندازه و تناسب، می‌تواند ابزاری برای بازآفرینی حقیقت پنهان و یا نهان در صور باشد.

ه) بیان از طریق مضامینی فرامادی، تعالی می‌یابد.

۳-۵. نماد و رمز

نماد یا سمبل، ابزاری برای بیان در جنبه‌های معنا بخشی به حقیقت است و در فرهنگ دهخدا، ظاهر کننده و نماینده آمده است؛ هم چنین، چیزی که به عنوان یا برای نمایش چیزی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یا موضوعی مادی که موضوعی غیر مادی را بنمایاند و مفهومی که معنایی ماوراءطبیعی و معنوی را القا کند (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۱). نماد، در معنای رمز نیز آمده است: «یماه، اشاره به چیزی، راز نهفته، علامت مخصوص که از آن چیزی یا مطلبی درک شود» (عمید، ۱۳۸۱: ۱۰۵۶).

هنرمندان و معماران با بهره‌گیری از نگرش به عالم طبیعی و مابعدالطبیعی، خلاقیت خویش را منطبق با فرهنگ، آداب و سنن مذهبی به مدد ابزار و مصالح بومی به منصف ظهور می‌رسانند. قابلیت‌های افزایش ادراک فضا و نمود عینی و یا ذهنی، با ایجاد رمز و نماد در معماری بناها محقق شده است. مهم‌ترین نمادهای مورد استفاده شامل، رمز اعداد، نمود رنگ‌ها، اشکال و صورت‌ها در بناها است.

۱-۳-۵. اعداد: علم عدد در طبیعت حکم فرماست و در تفکر اسلامی هر عدد باطن و ذاتی دارد که از دیگری متمایز می‌کند. این باطن، تجسمی از وحدت است که عدد را به طور مداوم به سرچشمه آن پیوند می‌دهد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۵). بهره‌گیری از اعداد مقدس نظیر ۳، ۱۰، ۷ یا تعداد سوره‌های قرآن کریم یا حروف ابجد در به کارگیری اجزا و عناصر معماری اسلامی در ساخت فضا به وفور دیده می‌شود. نمونه‌ای از کاربرد علم اعداد را در مدرسه خان شیراز یا تزیین‌های خطی در مسجد جامع یزد (صفات رحمانیت خدا طبق حروف ابجد) می‌توان ملاحظه نمود.

۲-۳-۵. اشکال و صورت‌ها: معمار ایرانی در شکل‌سازی، هنری را ابداع کردند که اکنون پس از نگاه به آثار گذشته، شاهد تأویل و تفسیرهای گوناگون از مستشرقان و دانشمندان مسلمان هستیم. بهره‌گیری از اشکال مربع، دایره، شش و هشت ضلعی و یا صور شمس، در معماری اسلامی حامل پیام معنایی قوی است. رمز پر قدرت پیوند مربع، به عنوان سمبل دین و دایره، به عنوان رمز آسمان و سبب‌ساز این تعالی و تشرف است که همه هستی از یک حقیقت مشخص، اما ناپیدا به وجود آمده است و به همان نیز برمی‌گردد (عرفان، ۱۳۷۶: ۲۷۸) (انا لله و انا الیه راجعون).

قاعد و طرح زیرین بناهای مسجد، شکلی چهار گوش دارد که متضمن استحکام، استقرار و ایستایی بنا و نمودار زمین است، و با ساخت گنبد که نماد آسمان است قداست عوالم متعال را نمودار می‌سازد. این ساختار چهار گوش و دایره که نقطه اوج و فرود را با نهایت ترکیب بندی در صورت بنا به عرضه گذاشته، مبین تعالی اندیشه طراح است و تغییر نظام و مرتبه عالم مادی و ملکوتی یعنی گذار از زمین به آسمان و از نقص به کمال را نشان می‌دهد (رحمان احمدی، ۱۳۷۶: ۱۹).

از اشکال و صورت‌های معماری، بهره‌گیری از منار در معماری مسجد به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغ شفاهی در دعوت به سوی فریضه‌های عبادی است. اذان نیز یکی از عوامل مؤثر در جلب توجه مخاطب و استقرار این

نتیجه‌گیری

تبلیغ، هر دو جنبه هنری و علمی را در بر می‌گیرد. اگر هنرمند معمار بخواهد در مرحله بیان اندیشه‌ها و احساسات و نیز اثرگذاری آن به مخاطب از طریق ارائه اثر، جاودان و ماندگار باشد، باید با تمسک به معنویت و آشنایی با حقایق نظام آفرینش به کشف اثر دست یابد. لذا، اگر انسان به سوی ادراک مفاهیم جاودان الهی حرکت نماید یا کوشش کند آموزه‌های معنوی را در بناهای خویش مورد استفاده قرار دهد، به صورت ناخودآگاه تمامی نیازهای فیزیکی و مادی او نیز برطرف می‌شود. از این رو، هنر و معماری اسلامی، تلاش در جهت دستیابی به فطرت آدمی است که همانا تقریب یافتن به کمال را در عمل و اندیشه پی‌ریزی کرده است و رسیدن به نظام توحیدی را از اصول برپایی هر اثر در رفتار و تبلیغ آن قرار می‌دهد. آن چه از محصول معماری و پیام هنر اسلامی دریافت می‌شود، عرضه اعتقاد و نگرش معمار و هنرمند اهل تدبیر به آموزه‌های دینی است. هنر او مبلّغ این حقیقت آشکار است که نظام مادی و معنوی هم‌سو و هم‌راستا در تعالی اندیشه و وحدت‌آفرین در جامعه اسلامی سیر نموده است. در بینش اسلامی، علاوه بر جنبه‌های ظاهری توجه به جنبه‌های باطنی پدیده‌های عالم اهمیت دارد. شناخت از حقیقت اشیاء و پدیده‌ها، همان آگاهی از معنای مستتر در پس کالبد بوده و فرم، محتوا و پیام جنبه‌هایی است که چون وحدت در کثرت، روایت باری تعالی را دارد. در حوزه هنر و معماری اسلامی آشنایی با مبانی تفکر و اندیشه اسلامی در کشف اثر هنری نقش مؤثر ایفا کرده و طرح‌مایه آن بازخورد جنبه‌های صوری و معنایی را نیز طلب می‌کند. به همین منظور ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری اسلامی باعث افزایش توان فهم و درک مخاطب از فضای معماری می‌گردد و تقریب او را به جنبه‌های توحیدی مهیا خواهد نمود. نسبت بین ظاهر و باطن یا صورت و معنا لازمه برپایی اثر معماری است و از وجوه وحدت‌آفرین در معماری اسلامی محسوب می‌گردد. بهره‌گیری از تبلیغ و پیام‌رسانی، ابزاری اثربخش در تبیین این نسبت است و در ادراک مخاطب و نیز آشکارساختن حقیقت و صورت باطنی اشیا مؤثر و جزء لاینفک معماری اسلامی است. آثار معماری و ابنیه تاریخی و نیز آثار دینی نمایانگر و مبلّغ احساس عمیق و اندیشه متعالی است که از اعماق وجود هنرمند مؤمن سرچشمه گرفته و حرکت‌های عظیم در آثار هنری نسل‌های بعدی را پی‌ریزی نموده است. بررسی آثار چنین می‌نمایند که تنگناهای جهان مادی دایره محدودی از هنر را ایجاد می‌کند، در حالی که عالم نامتناهی معنویت، آثار نامحدودی را متناسب با فضای معنوی، روحانی و ملکوتی آن را در بر خواهد داشت. تبلیغ و پیام‌رسانی در هنر و معماری اسلامی با هدف‌گذاری حقیقی و فطری، تنها گزاره را توحید معرفی می‌کند. در پایان به این نکته باید اشاره داشت که، پدیده عصر مدرن در حوزه هنر، پیاده‌سازی نظام خیالی و اندیشه ماتریالیستی را تبلیغ می‌کند. در حالی که معماری و هنر اسلامی در پی کشف آهنگ آفرینش و تجلی نظام توحیدی است.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم
۲. مفاتیح‌الجنان
۳. حکمت، نصرالله (۱۳۸۶)، حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، چاپ دوم، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳-۱۳۶۲)، اسلام و نیازهای زمان، جلد اول، انتشارات صدرا، تهران.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، فطرت، انتشارات صدرا، تهران.
۶. شریعتی، علی (۱۳۸۱)، هنر، چاپ نهم، انتشارات چاپخش، تهران.
۷. نصر، سید حسین (۱۳۷۳)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسدی، انتشارات طرح نو، تهران.
۸. رهبر، محمد تقی (۱۳۷۱)، پژوهش در تبلیغ، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۹. بوركهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، هنر مقدس، اصول و روشها، ترجمه: ستاری، جلال، انتشارات سروش، تهران.
۱۰. اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخی، چاپ اول، نشر خاک، اصفهان.
۱۱. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۴)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم: کیمیای خیال، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، سوره مهر، تهران.
۱۲. ارست گروبه و دیگران (۱۳۷۹)، معماری جهان اسلام، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
۱۳. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۹)، مسجد ایرانی مکان معراج مؤمنین، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران.
۱۴. مونیسک دوبوکور (۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، (چاپ بیست و پنجم جلد دوم)، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۶. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، جلد چهارم، انتشارات سپهر، تهران.
۱۷. نصر، سید حسین (۱۳۸۷)، «هنر دینی، هنر سنتی، هنر مقدس»، مجموعه مقالات راز و رمز هنر دینی، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران.
۱۸. بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۹)، «انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، انتشارات فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۹. علی‌آبادی، محمد (۱۳۷۸)، فروتنی یا هنر بندگی در معماری زمین، قرآن و هنر (مجموعه مقالات)، تهیه: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، نشر بنیاد پژوهش‌های قرآنی، مشهد.
۲۰. اولیاء، محمد رضا (۱۳۷۶)، «نیایش و آفرینش فضا»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد (گذشته، حال، آینده)، جلد اول، انتشارات دانشگاه هنر، اصفهان.
۲۱. عرفان، هادی (۱۳۷۶)، «سلسله مطالعاتی پیرامون معماری مسجد»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، جلد اول، انتشارات دانشگاه هنر، اصفهان.
۲۲. ندیمی، هادی (۱۳۸۵)، تأملی در اطوار نور در معماری ایرانی - اسلامی، ده مقاله در هنر و معماری، کلک دوست، اصفهان.
۲۳. مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳)، «حکمت معماری اسلامی (جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران)»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۹
۲۴. مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۸۱)، «هنر اسلامی در چالش هنر معاصر و افق‌های جدید»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۲
۲۵. مهدوی‌نژاد، محمد جواد و محمد مشایخی (۱۳۹۰)، «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی-اجتماعی»، نشریه علمی پژوهشی آرمانشهر، شماره ۵.